نگاه

نگاهی به فیلم «یه حبه قند»

راه یافتن به جهان پنهان زنان

یاسین محمدی

■ بعد از نمایش فیلم «بازگشت» (Volver) از پدرو آلمودوبار، کارگردانان پرسیدند که چگونه در این فیلم و در فیلم‌های پیشینش چنین بی‌پرده و صریح به جهان زنان راه یافته است و او پاسخ داده بود که کودکی‌اش را در میان همین زنان گذرانده و روزهای کودکی برایش شناختی بی‌بدیل از «جهان پنهان زنان» آفریده است.

دیدن فیلم تازه رضا میرکریمی که دیگر از کارگردانان مولف در سینمای ایران محسوب می‌شود، مرا به یاد آلمودوبار و فیلم‌هایش و این نقل‌قول او انداخت. در سینمای ایران پیش از این فیلم، فیلمسازان کمتر به این حیطه نزدیک شده بودند؛ حتی کارگردانان زن سینمای ما درنهایت تلاش‌شان تصویری که از زن بومی ایرانی ارایه کرده‌اند، نتوانسته از سطح صمیمیت خاصی فراتر برود. در مورد مردان فیلمسازمان هم که اساسا چنین انتظاری راه به جایی نبرده و شاید بشود گفت پرتره زن ایرانی در تمام این سینما باوجود گونه‌گونی و تکثری که داشته، باز در قالب کلیشه‌ای عام بازتولید شده است. نهایت تفاوت در پرداخت تونالیته رنگ کاراکترها بوده که در فیلمی پررنگ‌تر و در فیلم دیگری کم‌رنگ‌تر ظاهر شده است. و باز شاید بشود گفت که فیلمسازان ما بیشتر خواسته‌اند به عمق روح شخصیت‌های زنانه نفوذ کنند یا او را در سازوکارهای اجتماع مردسالار به چالش بکشند؛ اما آنچه فراموش شده جهان پنهانی است که در تمام جوامع به‌ویژه در جوامع سنتی مثل جامعه ما، به‌شکلی ریشه‌دار و کهن وجود دارد که در این نوشته آن را «جهان پنهان زنان» می‌خوانیم. جهانی که در فضای روابط صمیمی زنان خویشاوند و همسایه و دوست شکل می‌گیرد. هرچند شاید شکل و چیستی این جهان در جوامع امروز شهری دستخوش تغییرات بنیادین شده و گاه حتی مدرنیسم تا حد زیادی آن را به عقب رانده باشد، اما هنوز حتی در شهری‌ترین جوامع ولو به‌شکلی استحاله‌یافته و بی‌یال‌ودم ادامه حیات می‌دهد.

تیزهوشی میرکریمی در استفاده از فضایی سنتی‌تر در حاشیه کویر به‌جای یک فضای شبه‌مدرن شهری است. آنجا که باوجود وزیدن نسیم‌هایی از مدرنیسم، هنوز سازوکارها و چارچوب‌های سنت تنفس می‌کنند. او که حریصانه می‌خواهد همه‌چیز را به کام دوربین بکشد و کوچک‌ترین ظرایف را در روابط افراد از نظر دور ندارد، نمی‌تواند از «جهان پنهان زنان» چشم بپوشد. آن هم در فضایی که تفکیک جهان‌های مردانه و زنانه نهادینه شده و هریک از این جهان‌ها جنبه‌های پنهانی برای گروه مقابل دارند. در این فضاست که شادی‌ها، اندوه‌ها، رازها، خرافه‌ها، باورها، ادبیات، سطح زبان، دایره واژگان، رفتارهای اجتماعی و حتی بازی‌های نمایشی تفکیک شده‌اند و به‌دلیل ساخت فرهنگی سنت، این جهان زنانه است که برای مردان جنبه‌های پنهان بیشتری دارد و نیز البته توانسته جنبه‌های پنهان خود را بیشتر حفظ کند. این انتخاب فضا به میرکریمی امکان داده که آنچه می‌خواهد به تصویر بکشد، ابتر نشود. به‌عبارتی به‌سراغ سرچشمه‌ها رفته تا گرفتار نسیان مدرنیته نشود.

آنچه در فیلم «یه حبه قند» مخاطب را درگیر می‌کند و از همان آغاز دست او را می‌گیرد و بدل‌اش می‌کند به یکی از همان‌ها که در گیرودار یک عروسی قریب‌الوقوع در خانه‌ای پدری از این‌سو به آن‌سو می‌روند و می‌آیند، نوعی از صمیمیت است. صمیمیتی که تلاش شده از عنوان فیلم آغاز شود و در تمام لحظات کمیک و تراژیک فیلم چون نخی پنهان حضور داشته باشد. در اثنای همین صمیمیت است که ما به جهان پنهان زنان فیلم وارد می‌شویم و به لطف این ورود و تنفس در این جهان می‌توانیم محاط‌تر باشیم بر کل جهان داستانی که می‌بینیم‌اش؛ داستانی که زنان محور آن‌اند و هم از این‌رو داستان زندگی است و ادامه زندگی، به‌رغم مرگ. بی‌راه نیست اگر بگوییم نویسنده اثر تعمدی داشته که زنان فیلم خواهرانی باشند از یک مبدأ و یک جهان و مردان‌شان از جهان‌های گونه‌گون؛ تا جهان پنهان زنان غالب باشد و محور و مردان سیاراتی، قمرهایی چرخنده بر مدار این جهان.

هرچند تا همین مرزها که میرکریمی خط شکسته و پیش رفته، چنان که گفته شد، پیشروی کم‌نظیری در سینمای ایران محسوب می‌شود، اما باز هم او خود درنهایت گرفتار همان بازتولید سنت می‌شود و پیشروی بیشترش انگار که نقض غرض باشد، غیرممکن. کم‌کم به‌سطح نزدیک می‌شود، مانند بسیاری دیگر از نقاط قوت فیلم که پرداختن به آنان در فرصت این نوشته نیست، در پاره دوم فیلم که تراژدی و گروتسک جای کمدی را می‌گیرد، رو به افول می‌گذارد و درنهایت متوقف می‌شود و پشت مرزهای جدید سنت می‌ایستد.

به هر صورت آنچه «یه حبه قند» را برای من دیدنی کرد، گذشته از نگره‌های فلسفی‌اش به زندگی و مرگ و شادی و اندوه، جلوه‌های بصری‌اش در فیلمبرداری و تدوین، بازی‌های درخشان گروه بازیگران و مهم‌تر از همه موفقیت مطلق رضا میرکریمی در کارگردانی آن موقعیت‌های متکثر و شلوغ و پرشخصیت، ورود او به آن «جهان پنهان زنانه» بود، دستاوردی که شاید میرکریمی هم مثل آلمودوبار باید ریشه‌هایش را در تجربیات سال‌های کودکی‌اش جست‌وجو کند.

عکس: ایسنا

گفت‌وگو با صمدیان درباره جایزه قورباغه نقره‌ای کلاری

اعتماد دو طرفه

محمود کلاری جایزه قورباغه نقره‌ای کمر ایمیج را از نوزدهمین دوره جشنواره «پلاس کمر ایمیج» برای فیلمبرداری فیلم «جدایی نادر از سیمین» ساخته اصغر فرهادی دریافت کرد و با استقبال دوستان و هنرمندان تصویربردارش از جمله بهرام مولایی، سیف‌الله صمدیان، شهریار اسدی، بهزاد دورانی و... به تهران بازگشت. با سیف‌الله صمدیان دوست و همکار متخصص او درباره اهمیت این جایزه و جایگاهش در سینمای ایران صحبت کردیم.

■■■

از دریافت جایزه آقای کلاری خوشحال شدید؟

خوشحالی دریافت جایزه قورباغه نقره‌ای از جشنواره نوزدهم کمر ایمیج لهستان فقط به دلیل دوستی ۲۶-۲۵ ساله‌ام با محمود کلاری نیست. سینما فرزند عکاسی است. یادم است ۲۰ سال پیش که در کنار کلاری و زنده‌یاد مرتضی ممیز می‌خواستیم مجله «تصویر» را راه بیندازیم، انگیزه اصلی تغییر نام «عکاسی» به «تصویر» یک نکته بود: «هنرمندان فعال در هنرهای تصویری ایران از همدیگر دور هستند. آنان با هم ارتباط لازم را ندارند.» کمتر کسی مثل کلاری سابقه عکاسی دارد و در سینما این نوع نگاه به تصویر را دارد. نتیجه‌اش را امروز با این خبر خوش می‌بینیم، در حالی که شیوه فیلمبرداری‌اش، فیلمبرداری روی دست بوده است؛ آن نگاه عکاسانه و برخوردی که با تک‌تک فریم‌های فیلم داشته است.

آقای کلاری جایزه دوم را دریافت کرده بودند. اهمیت این جایزه در چیست؟

اسکار فیلمبرداری جهان است. مدرسه فیلمبرداری ووژ ابتکاری به خرج داده و ۱۹ سال است که نشان معتبری در عرصه تصویر را انتخاب و اهدا می‌کنند. لهستانی‌ها از دیرباز در زمینه پوسترهای سینمایی گرفته تا فیلمبرداری و کارگردانی اعتبار جهانی دارند. این تنها جشنواره‌ای است که هنگام نمایش فیلم و در لحظه‌ای که نام فیلمبردار روی پرده می‌آید، تشویق حاضران برای فیلمبردار است نه کارگردان و بازیگر و... این کار را به خوبی با تمام اصول حرفه‌ای‌گری انجام می‌دهند، در زمینه فیلم‌های کوتاه و مستند تا فیلم‌های بلند سینمایی. در کنار آن هم کارگاه‌های تخصصی فیلمبرداری برگزار می‌شود. قبل از محمود کلاری هم چند نفر از فیلمبردارهای ایرانی همچون بهرام بدخشانی، شهریار اسدی، حسین جعفریان و بایرام فضلی کاندیدا شده بودند و شهریار اسدی حدود پنج، شش سال پیش جزو پنج نامزد نهایی برای فیلم «لاک‌پشت‌ها هم پرواز می‌کنند» بود.

فکر می‌کنید این استقبال جهانی و مهم از این نوع فیلمبرداری چه علتی داشته باشد؟ چون این روزها خبر دریافت جایزه‌های متعدد برای این فیلم شنیده می‌شود.

دلیل این اتفاق همان اعتمادی بوده که کلاری به فرهادی و فرهادی به کلاری داشته است. حسن بزرگ اصغر فرهادی در تشخیص شیوه فیلمبرداری روی دست برای موضوع خاص جدایی نادر از سیمین بود، از آن مهم‌تر اعتمادی که به محمود کلاری و قدرت او در فیلمبرداری روی دست داشته است چراکه خوب می‌دانست نگاه عکاسانه محمود کلاری و تجربه او در بیش از ۶۰ فیلم می‌توانست در فریم به فریم لحظات فیلم تاثیرگذار باشد، آن هم درست در چارچوب حسی و تکنیکی تصویر با فیلمنامه؛ حسی که در درون فیلم آنچنان جاری است که تماشاچی حتی از نوع حرفه‌ای‌اش رئال بودن بازی‌ها و حرکت‌های دوربین و کل دکوپاژ فیلم را به یک فیلم مستند و فقط با یک برداشت می‌انگارد. غافل از اینکه دهها بار برای هر یک از پلان‌های فیلم تمرین کامل و کافی انجام گرفته است؛ تمرینی که با وجود تکرارهای زیاد هر بار به گفته محمود کلاری برای خود آنها نیز لحظه‌های عاطفی دست اول و بکری را همچون تماشاگری که برای بار اول شاهد این صحنه‌هاست، به‌همراه داشت.

خود آقای کلاری از این اعتماد راضی بودند؟

کلاری در فرودگاه به من گفت خوشحال است که به فرهادی اعتماد کرده و همه باورها و روش‌های قبلی‌اش را به لحاظ تکنیکی کنار گذاشته و پیشنهادات فرهادی را برای فیلمبرداری به طور کامل پذیرفته است؛ پذیرشی که روزبه‌روز انرژی و شادمانی درونی بیشتری را در او ایجاد می‌کرد. او قبل‌تر فکر می‌کرد فیلمبرداری خوب یعنی قاب‌بندی خوب و ساختن کمپوزیسیون‌های زیبا، اما این بار همه چیز فرق کرده است. حسی که سر صحنه وجود داشت تمرین‌هایی که بود و اطمینانی که به هم داشتند همه کمک کرد که تنها به ذات فیلمنامه و مفهوم حسی آن نزدیک بشود.

یعنی این نگاه و این اعتماد در چه چیزی ریشه دارد؟

در اینکه کلاری و فرهادی از تجربه کردن هراسی ندارند. البته در این مورد خاص که موضوع اصلی فیلمبرداری است، بیشترین امتیاز را باید به محمود کلاری داد و اینکه به راحتی تجربه‌های پنجاه و چند فیلم قبلی‌اش را یکباره کنار گذاشت و خود را تمام و کمال در اختیار جوهره اصلی فیلمنامه قرار داد و من فکر می‌کنم فیلمبردار باید همین کار را بکند. یعنی به طور صددرصد در خدمت فیلمنامه باشد تا تجربیات، ایده‌آل‌ها و حتی موقعیت حرفه‌ای خودش.

فکر می‌کنید این جایزه چه تاثیری در سینمای ما داشته باشد؟

قطعا این جایزه می‌تواند جنبشی در فیلمبرداری ایران باشد. داوران حرفه‌ای این جشنواره در حالی این جایزه را به فیلم «جدایی نادر از سیمین» دادند که فیلم‌هایی هم چون «درخت زندگی» یا «مالیخولیا» هم حضور داشتند. آنان شیفته چنین کاری شده‌اند. امیدوارم در ایران هم قدر این اتفاق را بدانند و این اتفاق برای فیلمسازان جوان هم تاثیرگذار باشد و بدانند دانسته‌های محمود کلاری از هنرهای دیگر باعث این اتفاق شده است؛ اینکه او با جنبه‌های عملی و تئوری موسیقی آشنایی دارد و سکوت و سکون و حرکت را در فریم‌فریم فیلم می‌شناسد و استفاده می‌کند. امیدوارم همه بتوانیم مرد روز و روزگار باشیم و به اتفاق‌های جدید لبخند بزنیم.

به غیر از گروه چهار، پنج نفری شما افراد دیگری هم به استقبال آمده بودند؟

لحظه‌ای که به فرودگاه رسیدیم و گروه سرود و موزیک استقبال را دیدیم به اشتباه فکر کردیم که قرار است اینها بخشی از مراسم استقبال برای کلاری باشد، اما خیلی زود فهمیدیم که داستان همان داستان همیشگی است و هنرمندان در چنین مواردی هنوز استثنا هستند. برنامه استقبال برای ورزشکار جوانی بود که در رشته اسنوکر قهرمان جهان شده بود - که مبارکش باشد- ولی محمود کلاری با همان سادگی همیشگی و موهای سفیدش به تنهایی در سکوت کامل از پله‌ها پایین آمد و از میان جمعیت در قامت یک غریبه عبور کرد و اگر ما چند نفر هم آنجا نبودیم آب از آب افتخارات فرهنگی ایران تکان نمی‌خورد. نه از دوستان خانه سینما خبری بود نه از بنیاد فارابی و معاونت سینمایی ارشاد؛ نهادهایی که هنوز چه در ذهن و چه در عمل کمیته‌های استقبال از هنرمندان افتخارآفرین برای کشورمان را تشکیل نداده‌اند!

پیشنهاد ویژه

انتظامی: بازیگران سینما حتما باید به تئاتر بیایند

■ حضور و عدم‌حضور چهره‌های سینمایی در تئاتر بحثی است که مدت زیادی است بازیگران دو رشته را به خود مشغول کرده است. بحثی که بخشی از دو برنامه سینمایی و تئاتری تلویزیون یعنی مجله تئاتر شبکه چهارم و هفت از شبکه سوم را به خود اختصاص داد. جریان از گله بهزاد فراهانی در مجله تئاتر منجر به صدور بیانیه از سوی انجمن بازیگران خانه تئاتر شد. این صحبت واکنش داوود رشیدی، رییس انجمن بازیگران سینما را به همراه داشت. برنامه هفت نیز هفته گذشته با دعوت از بهزاد فراهانی و آتیلا پسیانی این واکنش‌ها را بررسی کرد. اما ظاهرا این بحث همچنان باز است و باعث شد که عزت‌الله انتظامی که علاوه بر بازیگری سینما، رییس هیات مدیره خانه تئاتر است نیز درباره آن صحبت کند و حضور بازیگران سینما را در تئاتر مثبت ارزیابی کند. آقای بازیگر که در حاشیه تمرین یکی از نمایش‌ها صحبت کرده بود با اشاره به اینکه لازم نیست کسی برای رفتن روی صحنه تئاتر از فرد یا مکانی اجازه بگیرد، گفت: «اعتقاد من این است که همه هنرمندان سینما چه آنهایی که تحصیلات آکادمیک دارند و چه آنهایی که حرفه‌ای به این کار آمده‌اند، حتما باید تئاتر بازی کنند، چه زن باشند و چه مرد.» عزت‌الله انتظامی با اشاره به تاثیر مثبت تجربه تئاتری برای بازیگران سینما گفت: «بازیگران سینما حتما بیایند تئاتر بازی کنند چون باعث می‌شود در این کار پخته‌تر شوند. بازیگر سینمایی که بیاید و زحمت روی صحنه رفتن و رنج تمام‌قد ظاهرشدن روی صحنه را به خودش بدهد، چنین بازیگری ارزش بیشتری پیدا می‌کند.» او از محمدرضا فروتن، یکی از بازیگران مطرح سینما نام برد که به توصیه او کار تئاتر انجام داده است: «یکی از کسانی که در سال‌های گذشته توصیه کردم تئاتر بازی کند، محمدرضا فروتن بود. به او گفتم هر طور شده برو بازی کن. فوقش این است که صددرصد موفق نمی‌شوی ولی این بهترین تجربه برای تو است. بازی روی صحنه تئاتر یک آزمون بزرگ و یک شانس با ارزش برای بازیگران سینماست. وقتی در سینما بازی می‌کنی با دوربین سر و کار داری. دوربین در انتقال احساسات بازیگر نقش اساسی دارد و در کنار آن مونتاژ هم تاثیر زیادی در این بین دارد. اما هنرپیشه تئاتر وقتی روی سن می‌رود با تمام وجودش بازی می‌کند. چرا که بازیگر، سلطان صحنه است. کار در صحنه بسیار مشکل‌تر از مقابل دوربین است، در فیلم اگر صحنه‌ای خوب نشود، دوباره می‌گیرند ولی صحنه تئاتر یک‌بار اتفاق می‌افتد، تجربه تئاتری روی بیان بازیگران سینما هم تاثیر مثبت می‌گذارد.»

جدایی نادر از سیمین در سایت اند ساند

فرهادی یک صدای جدید در سینما

فاطمه عسگری‌آزاد

۱۰۱ منتقد و کارشناس سینما در نظرسنجی نشریه بریتانیایی سایت اند ساند شرکت و بهترین فیلم‌های سال ۲۰۱۱ را انتخاب کردند. فیلم جدایی نادر از سیمین بعد از درخت زندگی در جایگاه دوم بهترین فیلم سال از نظر منتقدان این نشریه قرار گرفته است. از بین این ۱۰۱ منتقد ۱۵ نفر در فهرست بهترین فیلم سال اسم فیلم جدایی نادر از سیمین را ذکر کرده‌اند و برخی از آنان هم نکته‌هایی را درباره این فیلم تاکید کرده‌اند. چارلز گانت (Charles Gant) از انگلیس در مورد جدایی نادر از سیمین نوشت: «متاسفانه من تمام اکران‌های مطبوعاتی جدایی نادر از سیمین را از دست دادم و مجبور شدم مثل یک مخاطب معمولی برای فیلم پول پرداخت کنم و به نمایش فیلم نشستم. این فیلم به خوبی چارچوب‌بندی شده و در اجرا عالی است و در تمام مدت نمایش مخاطب را غافلگیر می‌کند. فیلم بدون شک از طریق دریافت جوایز گوناگون فیلم‌های خارجی قابلیت خودش را نشان خواهد داد اما واقعا امسال فیلمی وجود داشت که هم فیلمنامه خوبی داشته باشد هم بازی و هم کارگردانی خوبی؟ بله جدایی نادر از سیمین این لیاقت را دارد که در طبقه‌بندی اصلی به رسمیت شناخته شود.»

«Nick Roddick» منتقد انگلیسی نیز در مورد فیلم اصغر فرهادی این‌گونه نظر داد: «جدایی نادر از سیمین مانند داستان‌های پلیسی هیچکاک ساخته شده است. فیلم فرهادی یک پیچ و خم اخلاقی است که نسبی بودن حقیقت را آشکار می‌سازد و همزمان به طور کلی تمام پیش‌قضاوت‌هایمان را در مورد ایران و به طور خاص در مورد قانون و شریعت از بین می‌برد. من بر اساس ترتیب دیدن فیلم‌ها جدایی نادر از سیمین را در رتبه دوم نقد خودم نوشتم اما اگر قرار بود این فهرست بر اساس شایستگی فیلم‌ها باشد جدایی نادر از سیمین در رتبه اول قرار می‌گرفت.»

«Sam Davies» منتقد انگلیسی می‌گوید: «من بر روی انتخاب Arrietty به عنوان فیلم اول سال پافشاری می‌کنم نه به دلیل اینکه فیلم مورد علاقه‌ام باشد بلکه به این دلیل که مقابل پارادایم غالب انیمیشن‌های خانوادگی پس از Pixar ایستادگی می‌کند. از دیگر نقاط برجسته امسال فیلم جدایی نادر از سیمین است که سقوط احساسی را با وسواس زیادی روایت می‌کند.»

نظرات بقیه منتقدان نیز درباره این فیلم به صورت کوتاه چنین است:

«Thomas Dawson»: «می‌توانم با اطمینان بگویم که فیلم ایرانی «جدایی...» را بار دیگر خواهم دید. اما باید بگویم روش خلق درام از یک موقعیت بسیار پیچیده را که در آن هیچ کاراکتری نمی‌تواند مدعی شود که در جایگاه درست بوده، بسیار دوست داشتم.»

«Ryan Gilbey»: «جدایی نادر از سیمین پرسر و صداترین فیلم اکشن و معلق‌ترین تریلر سال است که به دلیل شفقتش در Renoir هم مورد توجه قرار گرفته است.»

«Wendy Ide» از تایمز انگلیس: «این درام اخلاق ایرانی، از دو جهت ساختار و رویکرد خود کنترلی دلسوزانه کاراکترهایش زیباست. اما آنچه واقعا من را غافلگیر کرد جهانشمول بودن داستان است؛ سینمای جهانی که بر زمینه‌های مشترک به جای تفاوت‌های فرهنگی تاکید می‌کند همیشه جالب است.»

«Nick James» منتقد سایت اند ساند: «جدایی نادر از سیمین نشان داد که فرهادی بیشتر از آنچه در فیلم درباره الی... نشان داد استعداد دارد. فرهادی یک صدای جدید در عالم سینملست.»

«Philip Kemp» منتقد انگلیسی: «این اثر، فیلم بسیار هوشمندانه، عاطفی و اخلاقی پیچیده‌ای است که مشت خود را برای مخاطب باز نمی‌کند. یکی از بهترین فیلم‌هایی که از سینمای ایران بیرون آمده است.»

«Mark Le Fanu» عضو فرهنگستان و منتقد ادبی: «شکوه سینمای ایران همچنان شگفتی می‌آفریند. آنچه من و به گمانم بسیاری از افراد دیگر در مورد فیلم دوست داشتیم تعلیق مطلق درونی فیلم بود که با انسانیت و خرد زندگی ترکیب شده بود.»

«Derek Malcolm» از انگلیس: در پایان سال من به عنوان منتقد روزنامه بیش از ۵۰۰ فیلم دیده‌ام که بسیاری از آنها به قدری مزخرف بوده‌اند که به هیچ‌کس پیشنهاد نمی‌کنم برای خرید بلیت یکی از آنها پول دهد. هر هفته ۱۰ یا ۱۲ مطلب درباره فیلم‌ها نوشته می‌شود. در حالی که فقط نزدیک به ۵۰ مورد از این فیلم‌ها که در جشنواره‌هایی چون کن، برلین و ونیز انتخاب شده‌اند، ارزش دیدن دارند. اگر از من در مورد بهترین فیلم سال بپرسید بدون شک فیلم ایرانی «جدایی...» را انتخاب می‌کنم. این فیلم یکی از معدود فیلم‌های برلین است که ارزش به خاطر آوردن را دارد.

«Tim Robey» دیلی تلگراف انگلستان: فیلم درونگرا و مدنی که در چارچوب ملودرام قرار می‌گیرد. در فیلم جدایی نادر از سیمین شخصیت‌ها ظرفیت‌های خودشان را آشکار می‌کنند و مهم‌تر اینکه این فیلم راجع به ایران مدرن است.

«Hereafter» از آمریکا: بهترین فیلم فرهادی نشان می‌دهد که روح Otto Preminger هنوز در ایران زنده است. این داستان پیرامون حق و باطل در یک جبهه است و مخالف روایت‌هایی است که غالبا حق و باطل را روبه‌روی هم و در دو جبهه مخالف قرار می‌دهد.

جدول ۱۳۹۰

افقی:

۱- اتوبان - مدعی‌العموم ۲- جدا، منفک- آرایشگاه- واحد پول کرواسی ۳- جست‌وجو کردن- ماشین بارکشی- رهبر کاتولیک‌های جهان ۴- درنگ- انصار- صورت ۵- کشورها- دانه خوشبو- شکوه ۶- شب بلند- گزند، صدمه- از بلایای طبیعی ۷- گوشت آذری- همراه اسطرلاب- گشایش طلبیدن ۸ -هوایی که در ششها داخل و خارج می‌شود- شمشیر- برادر من- زنگ کاروان ۹- جزیره استرالیایی- یاری، کمک- صد متر مربع ۱۰- دانش و معرفت- جمع دلیل- مستقیم ۱۱- اتحادیه شرکت‌های هواپیمایی -قبیله حاتم- دین رایج در کشور ژاپن منشعب از ادیان بودایی ۱۲- برج کج فرانسه- نام سیاح معروف ایتالیایی- لوله گیاهی ۱۳- بهره و نصیب- اسلوب‌ها- از توابع کاشان ۱۴- وقف‌کننده- شهرت طلب- خشک مزاج ۱۵- علم آمار- رودخانه‌ای در نزدیکی میانه

عمودی:

۱- آماده- الهه جنگجو ۲- جفت- متوجه- جمع لوح ۳- مواجب، مستمری- زمان‌سنج- کم شدن ۴- سرکرده، بزرگ- درود- نت چهارم ۵- خاک سفالگری- منقار کوتاه- تمام‌کننده- یازده ۶- دروغکی- نامی پسرانه- کاخ فرانسه ۷- مرغ سعادت- آخرین نازی- بی‌نیازی- آهنگر انقلابی ۸- گلی با نام فرنگی- کنایه از زبردستی ۹- جهان- چه بسیار- شلوار جین- شهر بادگیرها ۱۰- بزرگ‌ترین سرخ‌رگ بدن- از تنقلات- خواهر ۱۱ -پیشوند منفی- رنگ صلح- نمایش تلویزیونی- چین‌های ریز و درهم موی سر ۱۲- چوبی نوک تیز برای راندن حیوان- شب انگلیسی- رودی در بالکان ۱۳- وسیله بازی- شهرهای عرب- نویسنده رمان چهره‌ها ۱۴- شکوفه کردن درختان- نگهداری کردن- پدران ۱۵- خام- شاخه‌ای از علم دندانپزشکی

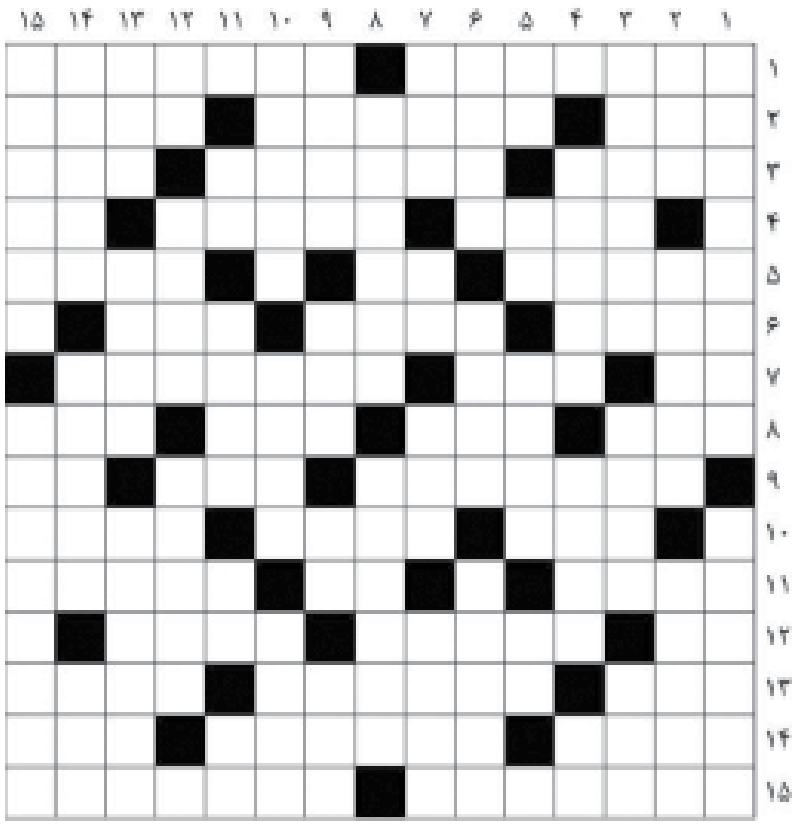

حل جدول ۱۳۸۹

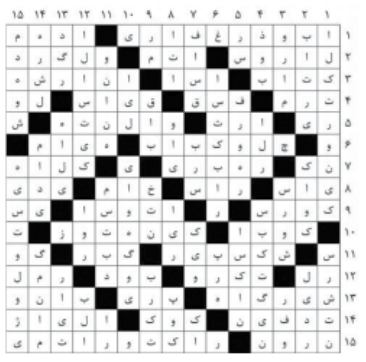

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۳۹۳

		۲		۳			۹	۴
۳				۸	۲		۶	۵
۸	۹		۴	۷	۵			
			۷	۹	۳			۸
	۶		۱		۸			۷
۹	۷				۶		۵	۱
	۲		۸		۹		۱	۳
			۵					۶
	۸		۳		۴	۲	۷	

حل سودوکو ۳۹۲

۲	۳	۷	۱	۶	۹	۵	۴	۸
۸	۱	۴	۲	۵	۳	۶	۹	۷
۹	۶	۵	۸	۷	۴	۱	۳	۲
۶	۷	۹	۵	۲	۸	۳	۱	۴
۵	۸	۱	۴	۳	۷	۲	۶	۹
۴	۳	۳	۶	۹	۱	۸	۷	۵
۱	۵	۲	۹	۴	۶	۷	۸	۳
۳	۴	۶	۷	۸	۵	۹	۲	۱
۷	۹	۸	۳	۱	۲	۴	۵	۶

سودوکو سخت ۴۱

	۲		۵		۹		۳	
۹		۶			۲			
					۶		۹	
۷						۴	۵	
۱				۵	۴			
۴		۳			۷		۲	
					۸		۱	۳
	۱		۷			۸		۹
	۳	۸			۱		۴	
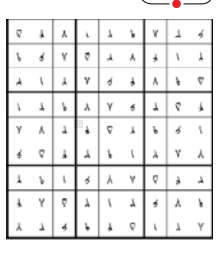
حل سودوکو سخت